



نوروزنامه‌ها در بستر فرهنگ و هویت ایرانی از صفویه تا دوران ناصری^۱ طاهره طهرانی^۲



10.30484/jii.2026.3356 | trtehrani8160@gmail.com.

• استناد: طهرانی، طاهره (۱۴۰۵). نوروزنامه‌ها در بستر فرهنگ و هویت ایرانی از صفویه تا دوران ناصری. مجله مطالعات ایرانی - اسلامی. ۱۶ (۱). ص ۱۴-۲۳.

۱. مقاله حاضر به بررسی کتاب دوازده رساله نوروزی، گردآوری و تصحیح حبیب‌الله اسماعیلی می‌پردازد که در سال ۱۴۰۴ از سوی نشر نگارستان اندیشه چاپ شده است.
۲. خبرنگار و پژوهشگر

نوروز از کهن‌ترین آیین‌های ایرانی است که با وجود دگرگونی‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی، توانسته در قالبی انعطاف‌پذیر به حیات خود ادامه دهد. این جشن تنها یک رویداد تقویمی نیست، بلکه دارای چهار کارکرد اساسی اداری، کشاورزی، اساطیری، و آیینی است.

نماد یا سمبل، پدیده‌ای بنیادین در تاریخ اندیشه و فرهنگ انسانی است که ریشه در توانایی ذهن بشر برای انتزاع دارد. هنگامی که رشد مغزی انسان اورابه مرحله‌ای رساند که بتواند از نشانه‌ای محسوس، معنایی نامحسوس را دریافت کند جهان نمادین آغاز شد. این توانایی، نقطه عطفی در مسیر تمدن بود، چرا که انسان از آن پس توانست بر پایه درک مفاهیم نادیدنی، برای آینده برنامه‌ریزی کند، آیین‌ها و مناسک را بیافریند، ساختارهای اجتماعی و سیاسی طراحی کند و از طریق هنر معنا را تثبیت کند و منتقل سازد. نخستین نقش‌ها، ابزارها، رنگ‌ها و حجم‌ها نه صرفاً اشیایی کاربردی، بلکه حامل معنا بودند؛ و از همین لحظه نماد متولد شد. در فرهنگ ایرانی، به دلیل پیشینه تمدنی کهن، نمادها نه تنها در متون، بلکه در اشیای تاریخی، آیین‌ها و سنت‌های زنده حضور پررنگ دارند. از این رو، حتی مواجهه‌ای کوتاه با آثار باستانی یا موزه‌های کوچک، فرد را با جهانی از نشانه‌ها روبه‌رو می‌کند که هر یک حامل لایه‌هایی از معنا، تاریخ، و جهان‌بینی است.

انسان همان‌گونه که سخن گفتن و نوشتن را آموخت، دریافت که برای مفاهیم انتزاعی و فاقد صورت می‌تواند نشانه‌ای دیداری یا گفتاری بیافریند. شادی نادیدنی در لبخند تجسم یافت، دانش در کتاب و قلم، رویش در جوانه و شکوفه، و دلیری در شمشیر و تیر و کمان. بدین‌سان، نمادها به زبان مشترک فرهنگ بدل شدند؛ زبانی که نه تنها پیام را منتقل می‌کند، بلکه آن را ماندگار می‌سازد. هر نماد شبکه‌ای از معانی را با خود حمل می‌کند و همین چندلایگی است که کاربرد آن را در ادبیات، هنر، اسطوره و آیین به امری پیچیده و عمیق بدل می‌سازد.

قدرت نماد در این است که می‌تواند فاصله قرن‌ها را درنوردد و همچنان معنا بیافریند. نمادهای نیرومند، حافظه تاریخی یک تمدن‌اند و نوروز، یکی از روشن‌ترین نمونه‌های این حافظه نمادین است. نوروز آیینی است که سرشار از نمادهای مرتبط با زمان، زایش، نو شدن، نظم کیهانی و پیوند انسان با طبیعت است؛ نمادهایی که از دوران باستان تا امروز در دین و فرهنگ و زندگی روزمره ایرانیان استمرار یافته‌اند.

نوروز از کهن‌ترین آیین‌های ایرانی است که با وجود دگرگونی‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی، توانسته در قالبی انعطاف‌پذیر به حیات خود ادامه دهد. این جشن تنها یک رویداد تقویمی نیست، بلکه دارای چهار کارکرد اساسی است: اداری، کشاورزی، اساطیری، و آیینی. اگرچه هریک از این کارکردها در بقای نوروز نقش داشته‌اند، اما در سنت دیوانی ایران کارکرد اداری و مالی نوروز اهمیت ویژه‌ای یافته و به عنوان آغاز سال مالی، نقشی مهم در سامان‌دهی امور حکومتی و اقتصادی ایفا کرده است.

در همین بستر است که نوروزنامه‌ها پدید می‌آیند؛ رساله‌هایی ادبی، تاریخی و گاه آیینی که به مناسبت فرارسیدن سال نو نوشته می‌شدند. این آثار، افزون بر شرح آیین‌های نوروز، به بیان تاریخچه، معناشناسی نمادها و ارائه پندهای اخلاقی می‌پرداختند. ریشه این سنت مکتوب را می‌توان در دوران ساسانی جست‌وجو کرد، اما اوج شکوفایی آن در دوره‌های صفوی و قاجار است.

نوروزنامه‌ها هم در دربار شاهان و ساختار قدرت کاربرد داشتند و هم در میان مردم نقشی آموزشی و فرهنگی ایفا می‌کردند؛ و از این رهگذر، پیوندی عمیق میان نوروز، ادبیات و هویت ایرانی برقرار می‌ساختند.

در میان این آثار، نوروزنامه منسوب به عمر خیام جایگاهی ممتاز دارد. در این کتاب، نویسنده به درخواست دوستی، آیین‌های نوروز را شرح می‌دهد و از رسمی سخن می‌گوید که در آن موبد موبدان، در نخستین روز سال، با مجموعه‌ای از اشیای نمادین - از جام زرین و خوید (گندم و جوی که سبز شده ولی خوشه آن هنوز نرسیده است) گرفته تا شمشیر، قلم، اسب و باز شکاری - به حضور شاه می‌رفت. این اشیای هریک نشانه مفهومی خاص بود: خرد، قدرت، آبادانی، پیروزی، جوانی، عدالت، و فرخندگی. دعایی که موبد در این آیین می‌خواند، درحقیقت تفسیر نمادین این اشیای بود و نشان می‌داد که نوروز، نقطه تلاقی سیاست، آیین، اخلاق، و جهان‌بینی ایرانی بوده است.

نوروزنامه خیام تنها نمونه این سنت نیست. وجود نوروزنامه‌های متعدد، گواه بر اهمیت نوروز در سراسر جهان فرهنگی ایران زمین است.

اثر حاضر با بازخوانی نه رساله نوروزی نشان می‌دهد که این متون اگرچه به یک آیین مشترک می‌پردازند، اما بازتاب‌دهنده گفتمان‌های متفاوت تاریخی و فکری‌اند.

نوروزنامه‌هایی که در کتاب دوازده رساله نوروزی آمده، به شرح زیر است:

۱. **نوروز سلطانی:** این رساله را محمدتقی بن محمدرضا رازی به نام شاه صفی صفوی (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ ق.) در یک مقدمه، سه فصل و یک خاتمه تدوین کرده است؛ مقدمه: در بیان فضیلت و شرافت این روز شریف؛ فصل نخست: در بیان نماز این روز و ادعیه منقوله در وقت تحویل و خواندن سور قرآنی در این روز؛

فصل دوم: در بیان سورۀ یس خواندن بر انار؛ و این عمل متعارف و مشهور است و بیان نوشتن آیات / آداب هفت سلام و آنچه باید خوردن در این روز؛ فصل سیوم: در بیان جامه پوشیدن و آداب آن. نسخه‌ای از این اثر به شماره ۳۵۱۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.

۲. **رسالۀ نوروزیه:** رضی‌الدین محمد قزوینی این کوتاه‌نوشت را در آداب روز گرامی نوروز و تطبیق آن با دیگر ماه‌ها و سال‌ها و تقویمی درباره آن و تعیین روز «نوروز» بر اساس تاریخ یزدگردی به زبان فارسی نگاشته است. نوروز از نگاه وی، غیر از نخستین روز بهار و تحویل خورشید از حوت به حمل است که خیام به پاس جلال‌الدین ملک‌شاه «نوروز» نامید و تقویمی به اسم وی آماده ساخت که به تقویم جلالی شهره شد. رضی‌الدین قزوینی در این رساله با استدلال و به کمک محاسبات نجومی، به نقد حدیث معلی بن خنیس پرداخته است. علمای بسیاری - از جمله محمدابراهیم حسینی خادم - بر این رساله، ردیه‌ای به عربی نگاشتند. مصحح در مقدمه به چهار نسخه از این رساله اشاره می‌کند که مهم‌ترین آنها نسخه به خط مؤلف است که همراه با رساله قبلة الاقفاق در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود.

۳. **نوروزنامه:** محمدباقر بن اسماعیل اصفهانی حسینی خاتون‌آبادی این اثر را در چهار فصل به نام شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ ق.) تألیف کرده است. این رساله مشتمل بر اخبار و احادیثی در موضوع نوروز است.

فصل اول: در بیان اول سال به حسب شرع؛

فصل دوم: در بیان آنکه روز نوروز کدام است و ذکر اقوال علما در آن باب؛

فصل سیوم: در بیان فضیلت روز نوروز؛

فصل چهارم: در اعمال روز نوروز.

نسخه‌ای از آن به شماره ۱۲۵۹۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نسخه دیگری

نیز به شماره ۱۱۰۰۱ OR در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.

۴. فضیلت نوروز: این رساله به قلم عبدالکریم بن محمد هادی الشهبانی - از معاصران با شیخ عباس قمی - نگاشته شده است. نویسنده در مقدمه درباره درونمایه این کوتاه نوشت می نویسد:

«این رساله ای است در بیان تعیین روز نوروز و فضایل و مداخل و اعمال مندوبه در آن که جمع شده از کتب معتمده علمای امامیه ... و مشتمل است بر سه ربیع: ربیع اول: در تعیین روز نوروز و دربرگیرنده احادیث و اخباری با موضوع نوروز است؛ و ربیع دوم: در فضایل آن؛ و ربیع سوم: در اعمال آن.»

نسخه ای از این اثر به شماره ۶۸۵۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود.

۵. تحقیق نوروز: از نویسنده ای ناشناس و برگرفته از رساله رضی الدین قزوینی است.

۶. دعوات نوروز: چنگیز میرزا قاجار این رساله را در دوره محمدشاه قاجار و به نام او نوشته است. او در این کوتاه نوشت به شرح دعاها و تعویذهای نوروز پرداخته است. نسخه ای از این اثر به شماره ۱۰۸۱۳ در کتابخانه ملی ایران موجود است.

۷. رساله نوروزیه: غیاث الدین ادیب کاشانی، از مترجمان دارالترجمه دوره ناصری و نویسنده مقدمه نامه دانشوران، این رساله را نگاشته و به ناصرالدین شاه اهدا نموده است. او در این کوتاه نوشت از تاریخ نوروز و احوال گذشتگان سخن گفته است. مدارک و منابع او بیشتر اسنادی است که عرب ها و مسلمانان در این موضوع فراهم آورده اند. در پایان این رساله، به اقوالی چند از مجلسی و سایر محدثان برجسته شیعه اشاره شده است. نسخه ای از این رساله به شماره ۱۰۸۱۳ - ۵ در کتابخانه ملی ایران موجود است.

۸. نوروزنامه/ احکام روز نوروز/ احکام نوروزنامه: نوشته خواجه محمد بن علی حکیم ترمذی. نویسنده، در مقدمه، از عمر طولانی خویش - نزدیک به صد و بیست و پنج سال - و تجارب گسترده اش در علم نجوم سخن می گوید. وی تصریح می کند که طی سالیان متمادی، احکام افلاک، منازل آفتاب و ماه، ساعات و درجات و دقایق، و نیز سعد و نحس ایام را به تجربه دریافته و حاصل این پژوهش ها را در اثری با عنوان «نوروزنامه» گردآورده است. به گفته او، این کتاب به بیان احوال هر سال بر پایه روز وقوع نوروز می پردازد و حوادث محتمل در ایام هفته، از یکشنبه تا شنبه را شرح می دهد. همچنین در آن، اوضاع پادشاهان، بزرگان، عالمان و امیران، وضعیت غلات و کشت و زرع، دام و طیور، احوال مردمان و شهرها و سرزمین ها، و رویدادهای بر و بحر

مورد اشاره قرار گرفته است. از همین مقدمه آشکار می‌شود که این کوتاه‌نوشت اثری در باب احکام نجوم و تأثیر سیارات بر سال پیش‌روست.

حکیم ترمذی بیان می‌کند که اگر نوروز در روز یکشنبه واقع شود. که منسوب به آفتاب است - سالی همراه با فرّخی و کاهش نزاع خواهد بود. دوشنبه، متعلق به قمر، نشانگر فراوانی نعمت است؛ سه‌شنبه که به مریخ نسبت داده می‌شود، با وجود رونق روییدنی‌ها، احتمال خون‌ریزی و خصومت را در پی دارد؛ چهارشنبه، روز عطارد، دلالت بر فتنه و آشوب و دشواری دارد؛ پنجشنبه، منسوب به مشتری، نویدبخش فراخی، نعمت و بارندگی است؛ جمعه، متعلق به زهره، سالی پُر نعمت و ارزانی غلات را نوید می‌دهد؛ و شنبه که به زُحل منسوب است، از قحطی و آشفتگی در برخی نواحی حکایت می‌کند. در دو نسخه دیگر نیز نویسنده با تأکید بر تجربه طولانی خویش در شناخت ساعات سعد و نحس، همین تقسیم‌بندی سیارات را از یکشنبه تا شنبه بازمی‌آورد.

بدین ترتیب، نوروزنامه حکیم ترمذی را می‌توان رساله‌ای در تبیین احکام نجومی و بیان سعد و نحس ایام نوروز دانست.

مصحح سه نسخه از اثر حاضر را بازنویسی کرده است:

۱. نسخه نخست: در این گزارش نویسنده از هفته‌های نجومی رایج میان هندی‌ها و ایرانیان سخن گفته و از یکشنبه (خورشید / شمس) آغاز کرده و به شنبه (زحل) ختم نموده است.

۲. نسخه دوم: از سوی علی‌اکبر بن ملاحسن نامی به سال ۱۲۱۹ ق. کتابت شده و نسخه‌ای از آن به شماره ۵۱۴۷۸۰ در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود. در این دست‌نوشت، پیش از شروع متن اصلی، قطعه‌ای آمده که در پیوند با پیروان محمد حنفیه، فرزند علی بن ابی‌طالب (ع) است.

آنچه در تمامی نوروزنامه‌ها و روایت‌ها مشترک است، اهمیت «زمان» است. نوروز، بیش و پیش از هر چیز، لحظه‌ای ویژه در گردش زمان تلقی می‌شود؛ زمانی قدسی، مبارک و خجسته که آغاز، زایش و امکان دوباره را نوید می‌دهد. به همین دلیل است که نوروز، فراتر از اختلاف قرائت‌ها، میراث مشترک همه ایرانیان باقی مانده است.

۳. نسخه سوم: در سال ۱۲۴۶ ق. در ماوراءالنهر، توسط محمد شریف بخاری بن داملا دولت محمد بدخشانی کتابت شده است. ویژگی این نسخه در آن است که افزون بر مطالب مرتبط با نوروزنامه حکیم ترمذی، تفسیر سال بر اساس سال شمار حیوانی نیز در آن به رشته تحریر درآمده است. نسخه‌ای از این اثر به شماره ۳۶۴ در بخش نسخ خطی کتابخانه آکادمی شرق شناسی جمهوری تاجیکستان نگهداری می‌شود.

۹. احوال نوروز: نوشته علی اکبر بن ملاحسن. آن گونه که مصحح محترم در پی نوشت (ص ۱۵۲) تصریح کرده است، این متن، پاره‌ای از اثر مستقلی است که ارتباطی با موضوع نوروز نداشته است. نویسنده در آغاز این فراز مدعی می‌شود که هجده نوروز را در یک روز دیده و تجربه کرده است و برای آنکه دهقانان و خداوندان کشت و زرع بدانند که در آینده کارشان بر چه منوال خواهد بود، مطالبی را با این عناوین آورده است: اگر نوروز روز یکشنبه باشد؛ اگر نوروز روز دوشنبه باشد؛ اگر نوروز روز سه‌شنبه باشد؛ اگر نوروز روز چهارشنبه باشد؛ اگر نوروز روز پنج‌شنبه باشد؛ اگر نوروز روز جمعه باشد؛ اگر نوروز روز شنبه باشد.

مصحح در مقدمه خود بر چند نکته مهم ارزشمند تأکید دارد: نخست اینکه نگاه نویسندگان نوروزنامه‌ها به نوروز یکسان نبوده است. برای نمونه، رضی‌الدین محمد قزوینی، فقیه دوره صفوی، نگاهی انتقادی به نوروز دارد و تنها روایت منسوب به امام صادق علیه‌السلام را معتبر می‌داند؛ روایتی که نوروز را با مجموعه‌ای از رخدادهای بزرگ دینی و کیهانی پیوند می‌زند. در این روایت نوروز مقارن با آغاز آفرینش، روز الست و عهد گرفتن خداوند از بندگان، روز خلقت آدم، روز غدیر خم، نخستین طلوع خورشید، شکستن بت‌ها توسط حضرت ابراهیم (ع) و زدودن بت‌های کفار قریش از خانه کعبه به دست امیرالمؤمنین (ع)، روز بعثت پیامبر (ص)، روز کشتن ذوالثدی و غلبه حضرت علی (ع) بر خوارج نهروان، روز زنده شدن گروهی از مردگان با ریختن آب بر استخوان‌های آنها، روز ظهور حضرت حجت (عج) و پیروزی بر دجال است.

دومین نکته این است که نوروزنامه‌های منطقه فرارود، چهره‌ای دیگر از این آیین را نمایان می‌کنند. این متون که غالباً به محمد بن علی حکیم ترمذی نسبت داده می‌شوند، بیش از آنکه به پیوندهای اساطیری و دینی نوروز بپردازند، بر نجوم، پیشگویی و تقارن‌های زمانی تکیه دارند. در این آثار، نوروز بیشتر به مثابه لحظه‌ای سرنوشت‌ساز در گردش زمان و تأثیرگذار بر زندگی اجتماعی انسان‌ها مطرح می‌شود. تفاوت این متون با نوروزنامه‌های ایرانی، بازتاب تفاوت‌های جغرافیایی، سیاسی و

در دوره صفوی، نوروز وارد مرحله‌ای تازه از تفسیر شد. با رسمی شدن تشیع، تلاش‌هایی برای بازخوانی نوروز در چهارچوب گفتمان دینی صورت گرفت و روایات و متونی پدید آمد که در آنها هویت ایرانی و باور شیعی در هم تنیده شدند. این فرایند، نه حذف سنت‌های کهن، بلکه بازآرایی و تفسیر دوباره آنها بود؛ تلاشی برای پیوند دادن گذشته اساطیری با حال دینی.

فکری در جهان نوروز است. درواقع در این دوران کارکرد اجتماعی نوروز و نقش آن به عنوان شروع سال مالی اهمیت بیشتری یافته است.

کهن‌ترین اشاره مکتوب به نوروز را می‌توان در رساله «ماه فروردین، روز خرداد» یافت؛ متنی که به احتمال زیاد در روزگار خسرو پرویز نگاشته شده است. این رساله با زبانی ساده، به رخدادهای اساطیری گذشته و وقایع بزرگ آینده اشاره می‌کند و نوروز را در کانون تاریخ مقدس و اسطوره‌ای جهان قرار می‌دهد. پس از اسلام نیز این تداوم معنایی حفظ شد و نویسندگانی چون جاحظ، بیرونی، گردیزی، ثعالبی، مسعودی و دیگران، هریک به شکلی نوروز را در پیوند با جمشید و آغاز نظم جهان معرفی کردند؛ روایتی که شاهنامه فردوسی آن را به زیباترین شکل بازتاب داده است.

در دوره صفوی، نوروز وارد مرحله‌ای تازه از تفسیر شد. با رسمی شدن تشیع، تلاش‌هایی برای بازخوانی نوروز در چهارچوب گفتمان دینی صورت گرفت و روایات و متونی پدید آمد که در آنها هویت ایرانی و باور شیعی در هم تنیده شدند. این فرایند، نه حذف سنت‌های کهن، بلکه بازآرایی و تفسیر دوباره آنها بود؛ تلاشی برای پیوند دادن گذشته اساطیری با حال دینی.

آنچه در تمامی نوروزنامه‌ها و روایت‌ها مشترک است، اهمیت «زمان» است. نوروز، بیش و پیش از هر چیز، لحظه‌ای ویژه در گردش زمان تلقی می‌شود؛ زمانی قدسی، مبارک و خجسته که آغاز، زایش و امکان دوباره را نوید می‌دهد. به همین دلیل است که نوروز، فراتر از اختلاف قرائت‌ها، میراث مشترک همه ایرانیان باقی مانده است.

نوروزنامه‌ها، روایت‌های متکثر از یک حقیقت واحدند؛ حقیقتی که در آن زندگی، امید، پیوستگی و هویت فرهنگی بازتاب می‌یابد. تا زمانی که هویت ایرانی زنده است، گفت‌وگو با نوروز ادامه خواهد داشت و این آیین، همچون خود بهار، همواره نو، تکرارناپذیر و زاینده باقی خواهد ماند.

نوروزنامه‌ها، روایت‌های متکثر از یک حقیقت واحدند؛ حقیقتی که در آن زندگی، امید، پیوستگی و هویت فرهنگی بازتاب می‌یابد. تا زمانی که هویت ایرانی زنده است، گفت‌وگو با نوروز ادامه خواهد داشت و این آیین، همچون خود بهار، همواره نو، تکرارناپذیر و زاینده باقی خواهد ماند.

در پایان می‌بایست ضمن سپاس از مصحح گران قدر که در نخستین تصحیح خویش چندین کوتاه‌نوشت ارزشمند درباره موضوعی که کمتر بدان پرداخته شده. یعنی نوروز. را در اختیار مخاطبان فارسی زبان قرار داده است و مقدمه‌ای سودمند و پی‌نوشت‌های ارزشمند محتوایی بر آنها نوشته است؛ به برخی کاستی‌هایی که در آن به چشم می‌خورد اشاره کنم. شایسته و بایسته است که به یاری خدا در چاپ‌های بعدی با مرتفع کردن آنها متنی درخور در اختیار علاقه‌مندان فرهنگ و تمدن ایران زمین قرار گیرد. ۱. رساله‌ها به درستی و به‌طور کامل، ویرایش صوری نشده است. گاه حتی نیمی از یک جمله در یک سطر آمده و نیمی دیگر به سطر بعد منتقل شده است. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین وظایف مصحح در بازخوانی هر نسخه، استفاده از نشانه‌های ویرایشی و حتی اعراب‌گذاری واژه‌های سخت خوان است تا خواننده را در دستیابی به درون‌مایه درست متن یاری رساند. برخی واژه‌ها نیز به درستی ثبت نشده است، مانند «آداب هفت سلام» که «آیات هفت سلام» آمده است و یا «تعیین روز نوروز» که به اشتباه «تعیین روز نوروز» خوانده شده است، عبارت «الراجی إلى رحمة الباری» نیز «الراجی البرحمة الباری» آمده است (ص ۱۵۲).

۲. در فهرست مطالب و در متن، از رساله اول با عنوان «نوروز سلطانی» یاد شده؛ ولی در مقدمه مصحح با عنوان «نوروزیه» بدان اشاره شده است. یا از نوشته خاتون آبادی در مقدمه با عنوان «نوروزنامه» یاد شده، ولی در فهرست مطالب و در متن، مصحح، عنوان پیشنهادی خود یعنی «نوروز و فضایل آن» را جایگزین کرده است. همچنین از رساله محمد شهابی در مقدمه و متن با عنوان «فضیلت نوروز» و در مقدمه با عنوان «نوروزیه» یاد شده است و ...

۳. آن‌گونه که مصحح محترم^۳ می‌گوید نسخه‌ای از رساله قزوینی به خط مؤلف در کتابخانه ملی وجود دارد که از آن بهره برده است، ولی به شماره ثبت آن اشاره نشده است. از همه مهم‌تر اینکه هنگامی که نسخه‌ای به خط نویسنده وجود دارد، بر اساس

قوانین بدیهی تصحیح متون، بهره بردن از دیگر نسخ بی معنا، بلکه خلاف قاعده است.
۴. مصحح محترم^۴ می‌فرماید دو نسخه از رساله خاتون آبادی وجود دارد، اما در متن تنها از یک نسخه استفاده کرده است.

۵. مصحح محترم در مقدمه^۵ دو نسخه رساله ترمذی با نام‌های نوروز نامه و احکام نوروز را معرفی می‌کند؛ اما در متن کتاب در پایان رساله دیگری از ترمذی با نام احکام نوروزنامه را آورده بی‌آنکه در مقدمه بدان اشاره کند. نیز جا داشت بلافاصله در پی متن دو نسخه دیگر بیاید نه آنکه رساله‌ای دیگر میان آنها فاصله اندازد.

۶. نکته مهم دیگر اینکه در مواردی که چندین نسخه از یک اثر وجود دارد، مصحح می‌بایست با استفاده از شیوه تصحیح انتقادی با بهره بردن از تمامی نسخه‌ها، یک متن قابل قبول ارائه دهد و تفاوت‌ها را در پاورقی درج کند. مگر آنکه هر نسخه روایتی مستقل باشد و نویسنده بارها به انگیزه‌های متفاوت نمونه‌های گوناگونی از نوشته خود را در اختیار مخاطبان قرار داده باشد که این بسیار اندک است و هیچ‌یک از رساله‌های حاضر از مصادیق آن نیست. نیز در شیوه بازخوانی مصحح در متن حاضر یکدستی به چشم نمی‌خورد. او در مقدمه تصریح دارد که از رساله قزوینی چهار نسخه وجود دارد و او سه نسخه را بازخوانی و چاپ کرده است ولی در کتاب تنها بازخوانی دو نسخه آمده است. باتوجه به آنچه گذشت به خوبی درمی‌یابیم برخلاف آنچه در عنوان اثر حاضر آمده، درواقع، این نوروزنامه، حاوی ۹ رساله درباره نوروز است و نه دوازده رساله.